

# سازمان تجارت جهانی و الزامات آن بر اقتصاد ایران

رضا اکبریان<sup>\*\*\*</sup>

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت که به اختصار گات (GATT) نامیده می‌شود، معاهده‌ای بین‌المللی است که با هدف گسترش تجارت بین کشورهای عضو به وجود آمده است. تحولات چشمگیر در اقتصاد جهانی نیز متأثر از مذاکرات بین‌المللی مربوط به گات می‌باشد. هشتمین دور این مذاکرات که به مذاکرات دور اروگوئه مشهور است، منجر به تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO) شد، البته بایستی توجه داشت که در عین حال که پیوندهایی بین GATT و WTO وجود دارد، ولی نمی‌توان از WTO به عنوان GATT سابق یاد نمود، زیرا تفاوت‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی زیادی بین GATT و WTO وجود دارد، که بایستی مورد توجه قرار گیرد. هم‌اکنون WTO از اهمیت زیادی در صحنه تجارت بین‌المللی برخوردار است به طوری که عملکرد آن بر زندگی تمامی مردم جهان از جمله ایران تاثیر می‌گذارد.

## کلید واژه‌ها:

سازمان تجارت جهانی، گات، عضویت در گات، بازار جهانی، بازرگانی جهانی، ایران

\*\*\*- دکتر رضا اکبریان؛ عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

## مقدمه

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت که به اختصار «گات» نامیده می‌شود، یک معاهده بین‌المللی است که با هدف گسترش تجارت بین کشورهای عضو به وجود آمده است. گات در واقع موافقتنامه‌ای چندجانبه در بازرگانی بین‌المللی بوده است که به سال ۱۹۴۷ به‌عنوان قانون تجارت و بازرگانی بین‌المللی مبنای همکاری کشورهای عضو قرار گرفت. این موافقتنامه در ابتدا برای مدت زمان محدود تنظیم شد و قرار شد تا تشکیل «سازمان تجارت جهانی» به کار خود ادامه دهد.

تحولات اخیر در اقتصاد جهانی متأثر از مذاکراتی است که در ۹ دور مذاکرات بین‌المللی مربوط به «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» بر جهان حاکم شده است. هشتمین دور این مذاکرات که به دور اروگوئه مشهور است، از سال ۱۹۸۶ شروع شد و پس از بحث‌های طولانی و فشرده در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در مراکش امضا شد. ما حاصل مذاکرات دور اروگوئه، تدوین موافقتنامه‌های جدیدی در زمینه محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک، حقوق مالکیت معنوی، خدمات و تاسیس سازمان تجارت جهانی (WTO) است که از سال ۱۹۹۵ شروع به کار نموده است.

نکته‌ای که بایستی به آن توجه داشت، این است که هر چند پیوندهایی بین GATT و WTO وجود دارد ولی نمی‌توان از WTO به‌عنوان GATT سابق یاد نمود چون تفاوت‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی بسیاری میان گات و سازمان تجارت جهانی وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.

در علم اقتصاد، جهانی شدن<sup>(۱)</sup> به معنای افزایش آزادی افراد و بنگاه‌ها جهت انجام معاملات با افراد و بنگاه‌های سایر کشورها تعریف می‌شود. در این فرایند بازارهای داخلی به روی عرضه‌کنندگان خارجی باز شده و عرضه‌کنندگان داخلی نیز به بازارهای خارجی دسترسی پیدا می‌کنند. خصوصیت کلیدی این فرایند کاهش موانع موجود بر سر راه انجام معاملات با افراد و بنگاه‌های فرامرزی و برابری هزینه انجام

معاملات با هزینه‌های مشابه در داخل کشور می‌باشد. مبادلات بین‌المللی را که به روند جهانی شدن کمک می‌کنند، می‌توان در چهار گروه عمده بررسی نمود.

- ۱- تجارت بین‌المللی: تبادل کالا و خدمات با افراد و بنگاه‌های آن سوی مرز.
- ۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی: تاسیس، راه‌اندازی و کنترل بنگاه‌های صنعتی یا تجاری یک کشور توسط افراد کشورهای دیگر.
- ۳- تبادلات مالی، از قبیل سرمایه‌گذاری‌های پرتفوی، وام‌دهی و استقراض.
- ۴- مهاجرت نیروی کار، یعنی عرضه خدمات نیروی کار در یک کشور توسط افرادی از کشورهای دیگر.

در این مقاله پس از مروری کوتاه بر چگونگی تشکیل گات، مذاکرات دور اروگوئه را از نظر اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. در ادامه تحصیل اقتصادی یارانه بر صادرات را بررسی خواهیم نمود. ساختار سازمان تجارت جهانی و پیامدهای اقتصادی جهانی شدن، از جمله مباحثی است که به آن پرداخته شده‌است. از آنجا که تاکید خاص مقاله بر نتایج اقتصادی است، نتایج عضویت در WTO از دیدگاه اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و ضمن بررسی تنگناها و مشکلات عضویت در سازمان تجارت جهانی، پیشنهادهای آرایه می‌گردد.

## اشاره تاریخی

نخستین بار در سال ۱۹۲۷ زیر نظر جامعه ملل آن روز، اجتماعی در ژنو تشکیل شد تا درباره توسعه تجارت که به خاطر جنگ آسیب فراوان دیده‌بود، تبادل نظر نماید. باتوجه به جو بعد از جنگ، مذاکرات ژنو کاری از پیش نبرد و تنها اثر آن ایجاد فکر همکاری بود. آمریکا که در آن زمان با بحران اقتصادی روبرو بود، غلبه بر مشکلات تجارت جهانی و حذف یا تخفیف تعرفه‌ها را راهی برای پایان دادن به بحران اقتصادی خود می‌دانست.

در سال ۱۹۳۲ کوردل هال<sup>(۱)</sup> طرح جدیدی براساس حذف یا کاهش موانع بازرگانی جهان ازایه نمود که در سال ۱۹۳۴ به تصویب قانون موافقتنامه تجاری متقابل در کنگره آمریکا منتهی گردید. براساس این قانون، رییس جمهور قادر بود به مدت ۲۵ سال حدود ۵۰ درصد عوارض گمرکی را به تدریج و با رعایت اصول معامله متقابل، کاهش دهد، در نتیجه متوسط تعرفه‌ها از ۴۸ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافت.

با بروز جنگ جهانی دوم، بار دیگر تجارت جهانی به شدت ناامن و متزلزل شد و بنابراین آمریکا مجدداً پرچمدار اصلاحات تجاری شد، کنفرانس برتون وودز که در سال ۱۹۴۴ و قبل از پایان جنگ با شرکت ۴۴ کشور جهان برگزار گردید، دو سازمان جهانی یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه را به وجود آورد.

در تاریخ ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷، ۲۳ کشور در کنفرانس هاوانا موافقتنامه‌ای را تصویب نمودند که به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت یا GATT<sup>(۲)</sup> مشهور می‌باشد. یکی از خواسته‌های مهم مطرح شده در این سند، تاسیس یک سازمان جهانی برای نظم بخشیدن به تجارت بین‌المللی بود. ۴۸ سال زمان لازم بود تا این خواسته که در واقع تبلور ادعای حاکمیت جهان شمول اندیشه لیبرالیسم اقتصادی و تجارت آزاد<sup>(۳)</sup> بود، تحقق یابد.

در این مدت نظام اقتصادی جهان دستخوش تغییرات بزرگی شد، ظهور قدرت ژاپن پس از جنگ جهانی دوم و تبدیل شدن چند کشور جهان سوم در آسیا به عنوان کشورهای تازه صنعتی شده، مهم‌ترین پدیده‌ها در روند تغییرات اقتصاد جهانی در این فاصله بوده‌است.

- 
- 1- Cordel Hall
  - 2- General Agreement on Tariff and Trade
  - 3- (Free Trade) Libre-exchange

## مذاکرات دور اروگوئه

از سال ۱۹۴۷ به دنبال پایان یافتن جنگ دوم جهانی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای توسعه یافته، با مشکلاتی مواجه شدند که در این راستا به فکر بازسازی کشورهای خود و استفاده از امکانات کشورهای دیگر افتادند. ابتدا ۲۳ کشور، طی نشست‌هایی در ژنو، هسته اولیه GATT را تشکیل دادند. تاکنون ۹ دور از مذاکرات مربوط به گات تشکیل شده است که مذاکرات هشتمین دور - معروف به دور اروگوئه - از سال ۱۹۸۶ آغاز و پس از بحث‌های طولانی و فشرده در ۱۵ آوریل ۱۹۹۴ در مراکش امضا شد. در این دور بود که سازمان تجارت جهانی شکل گرفت و به عنوان یک سازمان جهانی، عهده‌دار تجارت بین‌الملل شد، در این دور از مذاکرات علاوه بر تشکیل سازمان تجارت جهانی، تصمیمات دیگری نیز مورد موافقت اعضا قرار گرفت:

الف - بررسی چگونگی الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی.

ب - تشکیل کمیته‌ای جهت تهیه برنامه کار سازمان.

ج - تشکیل کمیته محیط‌زیست و تجارت.

د - کمیته‌ای جهت بررسی مشکلات مربوط به عملکرد بودجه سازمان.

مذاکرات دور اروگوئه حول پانزده محور قرار داشت:

۱- تعرفه‌ها.

۲- موانع غیر تعرفه‌ای بر سر راه گسترش تجارت جهانی.

۳- محصولاتی که دارای منشأ طبیعی هستند و نهایتاً ثروت‌های ملی محسوب

می‌شوند.

۴- محصولات گرمسیری.

۵- منسوجات و پوشاک.

۶- محصولات کشاورزی.

۷- مقررات معروف به ضد دامپینگ.

۸- شروط فرار - مربوط به مواردی که کشورها پیروی از مقررات GATT را عملاً

مخالف منافع ملی و قوانین خود بیابند.

۹- یارانه (سوسید) که اصولاً گات همیشه آنها را به عنوان یک نوع حمایت غیر معقول از تولیدات داخلی در برابر سیر آزاد مبادلات بین المللی تلقی کرده و به هر صورت برقراری یارانه های نقدی را به کمک های غیر نقدی مخصوصاً به صادرکنندگان، که آن را نوع معقولانه ای از دامپینگ تلقی می کرده، ترجیح داده است.

۱۰- حمایت از حقوق مالکیت معنوی.

۱۱- سرمایه گذاری های مرتبط با تجارت.

۱۲- حل و فصل منازعات تجاری بین المللی.

۱۳- تجارت خدمات.

۱۴- تجدیدنظر در برخی از اصول و مقررات گات.

۱۵- ارزیابی عملکرد سیستم گات.

سرانجام در سال ۱۹۹۱ قرار شد موضوعات پانزده گانه فوق به هفت موضوع محدود شده و برای هر یک کمیته اختصاصی تشکیل شود، که اساس توافق نهایی را فراهم سازد و این هفت موضوع عبارت است از:

۱- دسترسی به بازارها

۲- منسوجات و پوشاک

۳- کشاورزی

۴- مقررات و سرمایه گذاری های مربوط به امور تجاری

۵- حقوق مالکیت معنوی مربوط به تجارت

۶- نهادها

۷- خدمات وابسته به بازرگانی

## تحلیل اقتصادی یارانه بر صادرات

در مورد یارانه بایستی توجه داشت که این موضوع از زمان تاسیس گات تاکنون

تحولات مختلفی را پشت سر گذاشته است. در ابتدا براساس موافقتنامه گات، اعضا موظف بودند قبل از برقراری یارانه دیگر اعضا را در جریان اعمال سیاست مربوط قرار دهند. در آغاز هیچ تصمیمی جهت حذف یارانه وجود نداشت. دولت‌ها می‌توانستند یارانه را به منظور تشویق صادرات و یا تشویق تولیدات داخلی به کار گیرند. اما این برخورد با سیاست یارانه در سال ۱۹۹۵ مورد تجدید نظر قرار گرفت. در این سال سه تبصره به ماده ۱۶ اضافه شد. در شرایطی که اعمال یارانه اجتناب‌ناپذیر باشد، بنابر توصیه گات، پرداخت یارانه نباید منجر به افزایش غیرعادلانه سهم کشور در تجارت جهانی کالای مورد نظر شود.

در اجلاس توکیو (۱۹۷۳-۷۸) آمریکا توانست موضوع یارانه را در دستور کار بگنجاند، و نهایتاً تبصره‌هایی به موافقتنامه عمومی اضافه گردید. براساس این تبصره‌ها اعمال یارانه، علاوه بر اینکه نباید موجب افزایش غیرعادلانه از سهم یک کشور در صادرات جهانی گردد، نباید موجب جابجایی صادرکنندگان کالا نیز در کشور ثالثی شود. به علاوه در این تبصره‌ها ساز و کارهایی نیز به منظور حل و فصل اختلافات اعضا در زمینه وضع یارانه پیش‌بینی شد. اما به رغم گنجاندن تبصره‌ها در موافقتنامه، تنها یک چهارم اعضا تبصره‌های مربوط به یارانه را امضا کردند. بنابراین اجرای آن از قوت کافی در این دور از مذاکرات برخوردار نشد، گرچه تبصره‌های یارانه به کلیه اقلام تجاری مربوط می‌شود، اما اختلاف نظرها عمدتاً در زمینه کشاورزی است که به اختلاف در اعمال یارانه کشاورزی دامن زده است. شرط، سهم عادلانه بازار است و تجربه نشان داده است که معیار عملی که بتوان براساس آن شرط سهم عادلانه بازار را تعیین نمود وجود ندارد. بنابراین، این قاعده در عمل برای کشورهای عضو بی‌معنی بوده است. کوشش در انجام اصلاحات به منظور حل مسئله یارانه می‌تواند یا در جهت مشخص نمودن سهم بازار و یا در جهت از میان برداشتن آنها باشد.

برای مثال؛ معیارهایی که برای مشخص کردن سهم بازار می‌توان در نظر گرفت عبارتند از میزان صادرات در سال قبل و یا متوسط صادرات در چند سال قبل، مثلاً

پنج سال قبل. این معیار وضعیت را برای کشورهای که از یارانه استفاده نمی‌کنند، روشن‌تر می‌نماید. چنانچه سهمیه‌های گذشته یک کشور قابل قبول نباشد، می‌توان براساس قراردادهای تازه آنها را تعدیل نمود تا به کشورهای دیگر فرصت داده‌شود که در بازارهای جهانی حضور خود را تثبیت نمایند.

اما به هر حال در نظر گرفتن سهمیه برای صادرکنندگان دارای دو اشکال اساسی است.

۱- براساس تجربه، کشورهای عضو، لزوماً براساس سهمیه قراردادی عمل ننموده‌اند. به‌عنوان مثال؛ توافق‌هایی که در مورد گندم، کاکائو و قهوه به عمل آمد، با تغییر شرایط تقاضا و عرضه در کشورهای مورد نظر رعایت نشد. اما پای‌بندی به رعایت سهمیه‌ها بیشتر در مواردی که تقاضای جهانی رو به رشد بود، ملحوظ گردیده‌است ولی وقتی عرضه بیش از تقاضا بوده، رعایت سهمیه‌ها عملاً نقض شده‌است.

۲- استفاده از سهمیه به طور مشخص با دو اصل مهم گات در تضاد می‌باشد. الف) اصل عدم تبعیض که کشورهای عضو را موظف به اعمال سیاست یکسان تجاری با کشورهای مقابل می‌نماید.

ب) تاکید بر استفاده از ساز و کار قیمتی به منظور مداخله در روابط تجاری. واضح است که در نظر گرفتن سهمیه در شرایطی که امکان گسترش صادرات وجود نداشته‌باشد، تنها به نفع آن دسته از کشورهایی می‌شود که از سهمیه‌های قبلی استفاده می‌کنند و تولیدکنندگان جدید، حتی اگر از کارایی لازم برخوردار باشند، نمی‌توانند در عرضه تجارت جهانی، اظهار وجود نمایند. البته تعیین سهمیه مشخص برای تمام کشورهای عضو کارچندان ساده‌ای نیست، اما چنانچه عملی شود؛ می‌تواند به جز در کشاورزی در سایر زمینه‌ها نیز مطرح گردد و در عمل این‌گونه قراردادها معمولاً به توافق‌های دوجانبه یا چندجانبه در خارج از گات منجر گردیده‌است.

به جای به‌کارگیری معیارها و مقررات تازه برای تعیین سهمیه بازار که ناشی از وضع یارانه می‌باشد، می‌توان به‌عنوان یک سیاست مشخص، کلیه کشورها را از وضع



یارانه منع نمود.

به طور کلی سیاست یارانه بر صادرات زمانی اعمال می‌گردد که کشورهای صادرکننده در بازارهای جهانی دارای مزیت نسبی نباشند و در نتیجه با پرداخت یارانه صادرکنندگان را یاری می‌دهند. بدین ترتیب یارانه باعث کاهش قیمت بین‌المللی به سطحی کمتر از قیمت‌های داخلی کشور صادرکننده می‌شود و در نتیجه رابطه مبادله را به نفع کشورهای واردکننده تغییر می‌دهد. از این نظر اعمال سیاست یارانه بر صادرات توسط کشورهای صادرکننده، در واقع همانند اعمال تعرفه بر واردات توسط کشور واردکننده عمل می‌نماید. برای روشن‌تر شدن موضوع چنانچه رابطه مبادله را برای کشور صادرکننده به صورت نسبت کالای صادراتی ( $PX$ ) به قیمت کالای وارداتی ( $PM$ ) در نظر بگیریم و نرخ یارانه برابر با ( $SX$ ) باشد، رابطه مبادله با وضع یارانه، به صورت زیر تغییر خواهد کرد.

$$\frac{PX(1-SX)}{PM} < \frac{PX}{PM} \quad (1)$$

این رابطه نشان می‌دهد که رابطه مبادله در نتیجه وضع یارانه به ضرر کشورهای صادرکننده یا به نفع کشورهای واردکننده تغییر نموده‌است.

این تغییر دقیقاً به معنی بهتر شدن رابطه مبادله به نفع کشور واردکننده می‌باشد. توضیح آنکه تعریف رابطه مبادله یک امر قراردادی است و می‌تواند به صورت  $\frac{PX}{PM}$  یا  $\frac{PM}{PX}$  تعریف شود. اما در هر صورت اگر این رابطه برای کشوری در نظر گرفته شود، عکس آن برای کشور مقابل صادق خواهد بود. به این ترتیب به سادگی می‌توان نشان داد که تعرفه بر واردات، توسط کشور واردکننده نیز همانند یارانه بر صادرات عمل خواهد نمود. چنانچه نرخ تعرفه بر واردات را ( $TM$ ) و رابطه مبادله را با توجه به نکات فوق  $\frac{PM}{PX}$  در نظر بگیریم، آنگاه خواهیم داشت:

$$\frac{PM(1+TM)}{PX} > \frac{PM}{PX} \quad (2)$$

تحلیل فوق، تاثیر یارانه و تعرفه بر رابطه مبادله برای دو کشور را که طرف مبادله تجاری می‌باشند نشان می‌دهد. اما براساس قضیه، «تقارن لرنر» می‌توان نشان داد که

تأثیر تعرفه بر واردات، معادل تأثیر مالیات بر صادرات یک کشور و تأثیر یارانه بر صادرات، معادل پرداخت یارانه بر واردات همان کشور خواهد بود. برای این منظور، چنانچه  $P_M^W$ ،  $P_X^W$ ،  $P_M^A$ ،  $P_X^A$  را به ترتیب نشان‌دهنده قیمت کالای صادراتی در کشور  $A$ ، قیمت کالای وارداتی در همان کشور، قیمت جهانی کالای صادراتی و قیمت جهانی کالای وارداتی در نظر بگیریم و  $(SX)$  و  $(SM)$  نشان‌دهنده میزان یارانه بر صادرات و میزان یارانه بر واردات باشند، آنگاه با توجه به تأثیری که یارانه به دنبال خواهد داشت، این روابط را بین قیمت‌های یک کشور و قیمت‌های جهانی می‌توان در نظر گرفت.

$$\frac{P_X^A}{1+sx} = P_X^W, \quad P_M^A = P_M^W \quad (3)$$

$$P_M^A = \frac{P_M^W}{1+sm}, \quad P_X^A = P_X^W \quad (4)$$

رابطه (۳) در واقع بیانگر این واقعیت است که در صورت پرداخت یارانه بر صادرات، قیمت‌های جهانی کمتر از قیمت‌های داخلی کشور صادرکننده و رابطه (۴) نشان‌دهنده این است که قیمت‌های وارداتی در صورت پرداخت یارانه، کمتر از قیمت‌های جهانی خواهند بود. اما قیمت کالای وارداتی در رابطه (۳) و قیمت کالای صادراتی در رابطه (۴) با قیمت‌های جهانی برابر می‌باشند. حال با توجه به روابط (۳) و (۴) می‌توان رابطه مبادله برای کشور مورد نظر را در هر مورد به صورت زیر نوشت.

$$\frac{P_X^A / (1+sm)}{P_M^A} = \frac{P_X^W}{P_M^W} \quad (5)$$

$$\frac{P_X^A}{P_M^A} = \frac{P_X^W}{P_M^W / (1+SM)} \quad (6)$$

حال چنانچه فرض نماییم که  $SM = SX = S^*$ ؛ آنگاه به سادگی از روابط (۵) و

(۶) رابطه زیر حاصل می‌شود:

$$\frac{P_X^A}{P_m^A} = \frac{P_X^W (1+S^*)}{P_m^W}$$

رابطه فوق بیانگر قضیه تقارن لرنر در زمینه یکسان بودن تاثیر یارانه بر صادرات و تعرفه بر واردات می‌باشد. به عبارت دیگر هر دو رابطه مبادله را به نفع کشور وضع‌کننده بهبود می‌بخشند. به همین ترتیب می‌توان یکسان بودن تاثیر تعرفه بر واردات و مالیات بر صادرات را نیز نشان داد. نتایج این قضیه برای روابط تجاری بین‌المللی و اقتصاد کشورها، بسیار حایز اهمیت است. براساس این قضیه می‌توان گفت که تعرفه بر واردات یا یارانه بر صادرات، گرچه می‌تواند باعث گسترش تولید داخلی یک کالا گردد، اما بدون تردید این موضوع به قیمت محدود شدن تولید و صادرات سایر کالاها، امکان‌پذیر خواهد بود. بدین ترتیب وضع تعرفه بر واردات کالاهای صنعتی در کشورهای در حال توسعه می‌تواند منجر به کاهش صادرات کالاهای کشاورزی و پرداخت یارانه به صادرات توسط کشورهای پیشرفته، منجر به محدود شدن صادرات کالاهای صنعتی توسط این کشورها گردد.

## یارانه در کشورهای پیشرفته

کشورهای پیشرفته با توجه به توسعه صنعتی و دارا بودن مزیت نسبی در صادرات این کالاها، عمدتاً توجه سیاست‌های حمایتی خود را به بخش کشاورزی معطوف داشته و تنها در موارد معینی این سیاست‌ها را در مورد صنایع نیز اعمال نموده‌اند. سیاست‌های حمایتی در کشورهای پیشرفته، در مقایسه با کشورهای در حال توسعه عمدتاً معطوف به استفاده از یارانه بر صادرات کالاهای کشاورزی بوده‌است. ترجیح این کشورها برای استفاده از سیاست یارانه، می‌تواند به دو دلیل باشد.

اولاً؛ پرداخت یارانه بر صادرات با توجه به نفع مصرف‌کنندگان سایر کشورها می‌باشد که کمتر با واکنش منفی و مقابله به مثل سایر کشورها روبرو می‌شود، بنابراین به رغم نیاز به تامین بودجه در پرداخت یارانه، با توجه به توانایی مالی این کشورها، از این سیاست بیشتر استفاده شده است. در حالی که سیاست تعرفه با توجه به تاثیر منفی آن بر رابطه مبادله سایر کشورها همواره مورد سوال و اعمال سیاست مقابله به مثل بوده است.

ثانیاً؛ استدلال می‌شود که سیاست یارانه بر صادرات در کاربرد تئوری «اولویت دوم» نهفته است و به عنوان عاملی در جهت خنثی نمودن سیاست‌های حمایتی بر واردات در این کشورها عمل کرده است و در نتیجه به بهبود تخصیص منابع در کنار توسعه کشاورزی کمک کرده است. همچنین براساس تئوری «اولویت دوم» نقض برخی از شرایط غیررقابتی در صنایع و اعمال سیاست‌های حمایتی در برخی از موارد، تخصیص منابع را از وضعیت بهینه دور می‌کند و سیاست یارانه که خود نقض سایر شرایط می‌باشد می‌تواند به تخصیص بهینه منابع در این کشورها منجر شود.

اما باید دید تا چه اندازه دلایل فوق قابل توجیه هستند. اولاً؛ باید توجه داشت که کشورهای پیشرفته می‌توانند هدف بهبود تخصیص منابع را با از میان برداشتن سیاست‌های حمایتی بر واردات که مورد نظر سازمان تجارت جهانی نیز می‌باشد، از ابتدا دنبال نماید. به عبارت دیگر در این صورت نیازی به اعمال سیاست یارانه به عنوان یک سیاست خنثی‌کننده نخواهد بود، ثانیاً اگرچه واکنش نسبت به اعمال سیاست یارانه کمتر است اما این به معنی عدم وجود آن نمی‌باشد.

سیاست‌های پرداخت یارانه تنها در صورتی می‌تواند به افزایش صادرات یک کشور منجر شود که با واکنش سایر کشورها روبرو نگردد. در دنیای تجارت برقراری یارانه توسط یک کشور می‌تواند به دو صورت با واکنش سایر کشورها مواجه گردد، اول از طریق وضع تعرفه بر واردات کالای مورد نظر توسط کشور واردکننده و دوم از راه پرداخت یارانه توسط کشور ثالث به منظور حفظ بازار در کشور واردکننده، اما در مورد

دوم حتی اگر کشور واردکننده اقدام به هیچ‌گونه عکس‌العملی ننماید، پرداخت یارانه برای هر دو کشور صادرکننده، نتیجه معکوس خواهد داشت، و این سیاست عملاً منجر به متضرر شدن هر دو کشور، و به نفع کشور واردکننده می‌گردد.

## یارانه در کشورهای در حال توسعه

گرچه پرداخت یارانه از نظر مقررات گات همواره با محدودیت‌هایی روبرو بوده، اما با توجه به اینکه پرداخت یارانه با مسایل مربوط به تامین بودجه همراه می‌باشد، در کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب، تاکید بر حذف یارانه به صادرات کشاورزی در دور جدید مذاکرات GATT، عمدتاً متوجه کشورهای پیشرفته می‌باشد. سیاست پرداخت یارانه به صادرات محصولات کشاورزی از سوی کشورهای پیشرفته، برای کشورهای در حال توسعه تاثیر دوگانه‌ای به دنبال داشته است. گرچه این سیاست، رابطه مبادله را به نفع کشورهای در حال توسعه تغییر داده، اما در واقع موجبات رفاه مصرف‌کنندگان را - به هزینه تاثیر منفی بر تولیدات کشاورزی - در این کشورها افزایش بخشیده است. کشورهای در حال توسعه با این استدلال که حذف یارانه‌ها براساس مقررات سازمان تجارت جهانی، منجر به تغییر رابطه مبادله به ضرر آنها خواهد شد، با قطع کامل آنها موافق نیستند.

این استدلال به دو دلیل - به خصوص در بلندمدت - قابل توجیه نیست، اول آنکه؛ گرچه پرداخت یارانه به نفع مصرف‌کنندگان در کشورهای در حال توسعه می‌باشد، اما به طور قطع تولیدکنندگان را در این کشورها تحت تاثیر منفی خود قرار می‌دهد؛ بنابراین در بلندمدت وابستگی به این کشورها را برای واردات محصولات کشاورزی تشدید می‌نماید. دوم آنکه قطع یارانه باعث بهبود در نحوه تخصیص منابع در کشورهای پیشرفته می‌شود و قیمت کالاهای صنعتی را که از جمله واردات کشورهای در حال توسعه می‌باشد، کاهش خواهد داد؛ در نتیجه نه تنها رابطه مبادله در بلندمدت به ضرر کشورهای در حال توسعه تغییر نخواهد کرد، بلکه به نوبه خود به

منطقی شدن نحوه تخصیص منابع در این کشورها نیز خواهد انجامید.

## ساختار سازمان تجارت جهانی

تحولات اخیر در اقتصاد جهانی بسیار متأثر از مذاکراتی است که در نه دور مذاکرات بین‌المللی مربوط به «موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت» بر جهان حاکم شده است. در هشتمین دور این مذاکرات که به دور اروگوئه مشهور است، موافقتنامه‌های جدیدی در زمینه محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک، خدمات و تاسیس سازمان تجارت جهانی تدوین شد.

موافقت برای تشکیل سازمان تجارت جهانی، در واقع پذیرفتن تغییر از یک سیستم چند جانبه ادغام شده به یک سیستم کلی و یکپارچه می‌باشد. می‌توان گفت: نتایج تلاش‌های گسترده در مورد آزادسازی تجارت، پنجاه سال پس از ایجاد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، به عرضی ظهور رسیده و تجارت بین‌المللی به دلیل تشکیل سازمان تجارت جهان، جایگاه مناسب خود را یافته است.

مذاکرات دور اروگوئه، به تصویب بیست و هشت موافقتنامه منجر شد که آنها نیز به نوبه خود بیست ارگان را به‌عنوان متولی امور اداری ایجاد نمودند. تمام این ارگان‌ها زیر نظر سازمان تجارت جهانی کار می‌کنند و روابط تجاری بیش از ۱۴۲ کشور را زیر نظر دارند، از جمله ارگان‌هایی که زیر نظر سازمان تجارت جهانی فعالیت دارند عبارتند از:

**- کنفرانس وزرا:** این کنفرانس هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و ضمن تعیین سیاست‌های کلی سازمان تجارت جهانی، تصمیمات لازم را در مورد مسایل مربوط به موافقتنامه‌های تجاری چند جانبه اتخاذ می‌نماید.

**- شورای عمومی:** شورای عمومی یا ارگان دائمی، تعیین‌کننده نمایندگی دولت‌ها معمولاً براساس سیاست‌های قبلی گات تصمیم‌گیری می‌نماید، اما در صورتی که توافق حاصل نشود، تصمیم براساس رای اکثریت یعنی؛ یک دولت یک رای

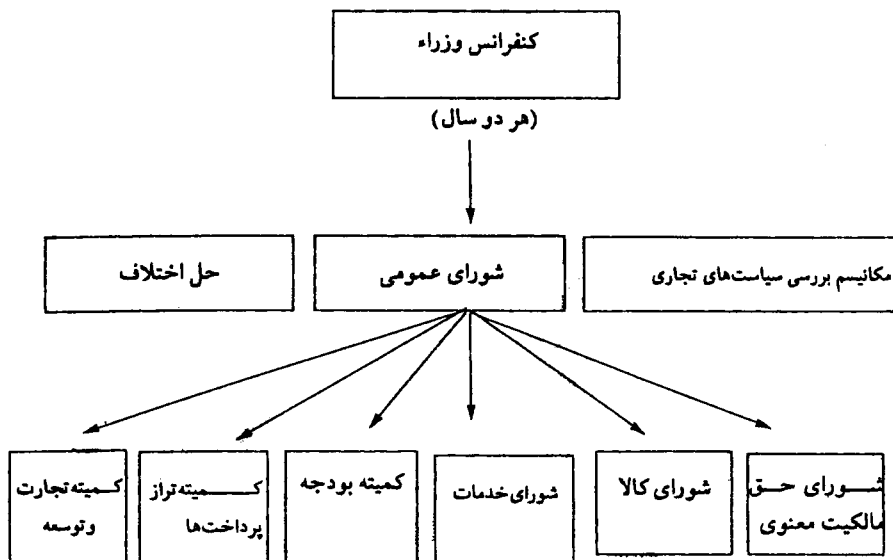
خواهد بود.

**- ارگان حل اختلاف:** ارگان حل اختلاف یکی از بزرگترین دستاوردهای دور

اروگوئه می باشد، سازمان تجارت جهانی مکانیسم کاملی برای این منظور فراهم نموده و گروه های تخصصی را برای این منظور به کار گرفته تا ضمن مطالعه گزارشات مختلف، مطابقت فعالیت ها با تصمیمات اتخاذ شده را انجام دهند.

### یک ترکیب جهانی

گات نتوانست به عنوان یک سازمان جهانی ظاهر شود، در نتیجه کشورهای در حال توسعه، گات را به عنوان سازمانی می شناختند که به وسیله کشورهای ثروتمند به وجود آمده و بالطبع فوایدش نیز نصیب آنها می شد. البته این طرز تفکر در مورد گات تا ابتدای سال ۱۹۸۰ ادامه داشت و از آن پس گات با اتخاذ سیاست های جدید توانست کشورهای جهان سوم را نیز به سوی خود جلب نماید و در این مدت با ورود بسیاری از کشورهای جهان سوم در سیستم تجارت بین المللی، عملاً، زمینه برای تشکیل سازمان تجارت جهانی فراهم آمد.



## پیامدهای اقتصادی جهانی شدن

از زمان آدام اسمیت، اقتصاددانان بر آثار مثبت تجارت آزاد بر نرخ رشد اقتصادی آگاه بوده‌اند. طبق نظریه‌های اقتصادی، تجارت آزاد به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر شدن رشد منجر می‌شود. در یک اقتصاد باز، از آنجایی که بنگاه‌ها به بازارهای بزرگتری دسترسی دارند، لذا انگیزه و امکان بیشتری در به کارگیری ابتکارات و اختراعات و بهره بردن از منافع تولید انبوه دارند. این امر منجر به افزایش سرمایه‌گذاری و در نتیجه افزایش رشد درآمد ناخالص داخلی می‌شود. همچنین باز بودن تجاری سبب دست یافتن بنگاه‌های یک کشور به دانش فن‌آوری کشورهای دیگر و بهره بردن از آنها به منظور افزایش بهره‌وری تولید می‌شود. از جمله مجراهای عمده چنین امری، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی است، که از آن طریق کشورهای در حال توسعه با روش‌های پیشرفته تولید در کشورهای صنعتی آشنا می‌شوند.

باتوجه به بحران مالی اخیر در شرق آسیا، شک و ابهاماتی در مورد آثار مثبت ادغام شدن در سیستم بانکی، تجاری و مالی جهان، به خصوص از طریق سرمایه‌گذاری‌های پرتفوی و استقراض کوتاه‌مدت، به وجود آمده‌است. بسیاری معتقدند که دلیل عمده بحران مالی کشورهای شرق آسیا، ضعف نهادهای مالی و بانکی و فقدان نظارت بر عملکرد این موسسات بوده‌است. شاید مهم‌ترین درسی که کشورهای در حال توسعه می‌توانند از بحران مالی آسیای شرقی بگیرند، این باشد که تا زمانی که پایه‌های سیستم مالی، تجاری و بانکی خود را مستحکم نکرده‌اند، در مورد سیاست‌هایی که به ادغام اقتصادی با بقیه جهان منجر می‌شوند، تامل و دقت نظر بیشتری مبذول دارند.



سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر آزادی تجارت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تا این حد در بالا رفتن رشد اقتصادی نقش دارند، چرا بعضی از سیاست‌گذاران در اتخاذ سیاست‌هایی که به آزادسازی اقتصادی منجر می‌شود، مردد هستند؟ شاید مهم‌ترین دلیل نگرانی آنان، امکان افزایش نرخ بیکاری باشد.

سیاست‌های تجارت آزاد، منجر به کوچکتر شدن یا تعطیلی بنگاه‌هایی می‌شود که به امر تولید برای جایگزینی واردات اشتغال دارند. لذا در این فرایند نرخ بیکاری افزایش پیدا می‌کند، در عین حال، تجارت آزاد باعث به‌وجود آمدن بنگاه‌های تازه‌ای می‌شود که به امر تولید محصولاتی می‌پردازند که در آن مزیت نسبی دارند، و لذا ایجاد این بنگاه‌ها نرخ اشتغال را افزایش خواهد داد. در این صورت بالا رفتن نرخ بیکاری، در صورت تحقق، مقطعی و گذرا خواهد بود.

در ارتباط با تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمدها، در سطح نظری، نظریه هکشر اوهلین، مبین آن است که عوامل تولیدی که از وفور نسبی برخوردارند، از آزادی تجارت سود خواهند برد. با توجه به شرایط، این عوامل می‌توانند شامل نیروی کار غیرماهر، نیروی کار ماهر و سرمایه یا منابع طبیعی باشند. در هر یک از این موارد، تبعات جهانی شدن برای توزیع درآمدها مختلف خواهد بود.

آزادسازی تجاری تنها وقتی موفق خواهد بود که سرمایه‌گذاری‌های لازم در بخش‌های تولیدی و صادراتی که قدرت رقابت جهانی دارند، انجام گیرد و لازمه چنین سرمایه‌گذاری‌هایی، ثبات اقتصادی است. عدم ثبات در اقتصاد کلان، از جمله تورم، تغییرات نرخ ارز و کسری بودجه بالا، با به وجود آوردن بی‌اطمینانی و تضعیف محتوای اطلاعاتی قیمت‌های نسبی که آزادسازی

اقتصادی بر آن مبتنی است، بنگاه‌ها را به اتخاذ سیاست انتظار، به جای انجام سرمایه‌گذاری‌های درازمدت سوق خواهد داد.

اقتصاد جهانی به سمت آزادسازی تجارت پیش می‌رود، از این رو لغو کامل موانع غیرتعرفه‌ای تجارت و کاهش تعرفه‌ها در دستور کار قرار دارد. چنانچه کشوری بخواهد سهم بیشتری در تجارت جهانی کسب نماید، بایستی اصلاحات اقتصادی و بازرگانی خارجی را متناسب با سمت و سوی تجاری و اقتصاد جهانی انجام دهد. در این راستا کاهش سیاست‌های حمایتی، یکی از وظایف اصلی دولت به منظور افزایش سهم اقتصاد ملی در اقتصاد جهانی است.

از آنجا که بیش از ۹۰ درصد تجارت جهانی در بین کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی صورت می‌گیرد و نظم‌دهی به تجارت بین‌المللی در قرن آینده نیز توسط همین سازمان صورت می‌پذیرد، گروه کشورهای در حال توسعه نیز ناگزیر به انجام اصلاحات می‌باشند تا بتوانند سهم خود را در تجارت دنیا بهبود بخشند.

## تجارت جهانی و محیط زیست

قانون جدید اقتصاد جهانی به‌طور عمده توسط سازمان تجارت جهانی تنظیم می‌شود، اندیشه اقتصاددانان سنتی رایج و نافذ است و قانون بیشتر با هدف آزادسازی هرچه بیشتر تجارت جهانی از قیدهای موجود طراحی می‌شود؛ نه با هدف مهار تجارت برای رفاه و آسایش عمومی جهان.

ابداع یک جامعه پایدار در برابر عوامل زیست‌محیطی، فراتر از حوزه اقتصاد و اقتصاد صحیح و آینده‌نگر نیز، فراتر از یک سلسله قانون برای کاهش محدودیت‌های تبادل کالا و پول است. ایجاد یک جامعه مناسب با

مقتضیات قرن بیست و یکم، نه تنها اصلاح بنیادی موسسه‌های اقتصادی، بلکه تقویت موسسه‌های بین‌المللی مربوط به محیط‌زیست را به‌عنوان وزنه‌ای برای تعدیل قدرت‌های اقتصادی رو به رشد می‌طلبد.

جهانی‌سازی تجارت بیشتر، به معنای بین‌المللی کردن مسایل زیست‌محیطی از راه تجارت در منابع طبیعی مانند؛ ماهی و چوب با سرمایه‌های عظیم خصوصی است که به سرمایه‌گذاران بین‌المللی میدان خوبی می‌دهد، تا در اقصی نقاط دنیا سرمایه‌گذاری کنند. در حالی که کشورهای جهان از مدیریت قوی محیط‌زیستی دفاع کرده و به موسسه‌های اقتصادی مانند؛ سازمان تجارت جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز اختیار قدرت فزاینده و موثر بخشیده‌اند، مسایل عمده محیط‌زیست، همچنان به‌عنوان یک مسئله ثانوی باقی مانده‌است.

همچنان که تجارت جهانی به روند صعودی و مستمر خود ادامه می‌دهد، تاثیر منفی پیش‌بینی نشده‌ای را نیز بر سلامت محیط‌زیست جهان بر جای می‌گذارد. اما ساختارهای نوظهور مدیریت جهانی همچون WTO فرصت‌هایی را اگرچه اندک پدید آورد تا به واسطه آنها بتوان روند نزولی سلامت محیط‌زیست را متوقف یا کند نمود.

در مقدمه موافقتنامه WTO حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار، در اهداف سازمان گنجانیده شده‌است، همچنین تعهدی مبنی بر تشکیل کمیته تجارت و محیط‌زیست در آن ایجاد شده که وظیفه‌اش تجزیه و تحلیل ارتباط بین آزادسازی تجارت و حفظ محیط‌زیست و تجویز هر نوع تغییر و تحولی در قوانین WTO؛ به منظور تقابل درست و موثر این دو هدف است.

پس از گذشت چند سال از تشکیل این کمیته، تاکنون اقدام جدی و ملموسی

از جانب آن رویت نشده و تنها در حد صحبت و بحث‌های بسیار باقی مانده است. بسیاری از افراد حاضر در اجلاس (سیاتل در نوامبر ۲۰۰۰) این سازمان را به دلیل بی‌توجهی به مشکلات محیط‌زیستی مورد اعتراض قرار دادند، منتقدان به ویژه از وضعیت اسرارآمیز این سازمان که فعالیت‌های خود را مخفی می‌سازد، انتقاد کردند، آنها ادعا می‌کردند که بسیاری از اسناد و مدارک مهم در دسترس عموم قرار ندارد و بیشترین کمیته‌ها و نشست‌های این سازمان، پشت درهای بسته تشکیل می‌شود و مهم‌تر از همه اینکه؛ در این نشست‌ها و به هنگام تصمیم‌گیری، کارشناسان و متخصصان محیط‌زیست حضور فعال ندارند.

همچنان که مخالفت‌ها با سازمان تجارت جهانی بالا می‌گیرد، بسیاری از دولت‌ها، به‌طور تلویحی اعتراف می‌کنند که اصلاحاتی لازم است تا نظام تجارت جهانی از نظر عوامل زیست‌محیطی سالم و بدون اشکال شود، یکی از پیشنهادهایی که مورد حمایت بسیار قرار گرفته این است که باید سازمان تجارت جهانی تلاش کند تا یارانه‌های مضر برای محیط‌زیست را کاهش دهد، در این گزارش از شیلات، کشاورزی، انرژی و جنگل‌داری؛ به‌عنوان مواردی اشاره شده که اعمال یارانه بر آنها موجب آسیب رساندن به محیط‌زیست خواهد شد. برداشتن یارانه‌های مضر برای محیط‌زیست، گاهی رو به جلو محسوب می‌شود. اما به تنهایی نمی‌تواند به دولت‌ها این امکان و اختیار را بدهد تا قانون سازمان تجارت جهانی را به نفع صلاح‌دیدهای محیط‌زیستی تغییر دهند. از میان اولویت‌های اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الحاق اصول و قوانین (احتیاطی) پیشگیری در قانون سازمان تجارت جهانی، حفظ حقوق مشتریان مبنی بر داشتن اطلاعات از چگونگی

وضعیت بهداشت و سلامت و همچنین تاثیر زیست محیطی کالاهایی که با برچسب ایمنی خریداری می شود، به رسمیت شناختن حقوق خریداران کالاها در آگاهی از چگونگی نحوه تولید آنها با احترام گذاشتن به موافقتنامه های زیست محیطی چندملیتی در مواردی که با قانون WTO در تعارض هستند، تضمین حقوق کشورها در استفاده از راهکارهای تجاری جهانی - اگر بخواهد حمایت جامعه جهانی را به سوی خود جلب کند و به واسطه آن در عرصه باقی بماند - باید به همه این موارد گردن نهد.

## بررسی اثرات عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی

یکی از مهم ترین مسائلی که برای هر کشوری در ارتباط با WTO مطرح می باشد، تجارت خارجی اعم از صادرات و واردات کالا و خدمات و جریان سرمایه و عوامل تولید است که لازم است در این مورد سیاست تجاری و اقتصادی مناسب برای رسیدن به اهداف بلندمدت خود اتخاذ کند.

آزادی تجارت در رقابت آزاد، تنها زمانی قابل توجیه است که شرکت کنندگان در تجارت جهانی از ابتدا قدرت برابری داشته باشند، اگر در آغاز قدرت ها نابرابر باشند، سود بیشتری نصیب شرکای قدرتمندتر شده و شکاف و فاصله بین آنها افزایش می یابد. اما این بحث بدین معنی نیست که کشورهای در حال توسعه باید در جهت انزوای اقتصادی بکوشند.

در رابطه با عضویت در WTO بایستی توجه داشت که بسیاری از کشورهای جهان سوم که بدون پیش بینی سیاست تجاری مناسب و تجهیز امکانات و منابع داخلی برای توسعه صادرات کشور، عضویت آن را پذیرفته اند و سیاست آزادسازی تجارت خارجی را در پیش گرفته اند، با موفقیت روبرو نبوده اند. از طرف دیگر باید توجه داشت که عدم عضویت کشورهای

در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی نیز موجب مصون ماندن اقتصادشان، از تحولات جهانی نخواهد بود و شرایط بین‌المللی خواه‌ناخواه اقتصاد و سیاست کشورها را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین قبل از آنکه عضویت در سازمان تجارت جهانی و اتخاذ سیاست توسعه صادرات به‌عنوان یک ضرورت جدی در بیاید، کشور بایستی بتواند با توجه به اهداف بلندمدت اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های تجاری و اقتصادی مناسب، در جهت توسعه صادرات و پیوستن به اقتصاد جهانی، بیشترین منافع را از تحولات اخیر رخ داده در جهان، کسب کند.

کشورهایی که عضو سازمان هستند از کاهش تعرفه‌های یکدیگر استفاده می‌کنند و کشورهای غیرعضو ناچارند، با دادن امتیاز (کاهش تعرفه) محصولات خود را به کشورهای همسایه - که با آنها توافقنامه‌های تجاری دارند - صادر کنند، از این‌رو بررسی محاسن و معایب عضویت در سازمان تجارت جهانی اهمیت زیادی دارد.

بدون تردید، عضویت در این سازمان یک فرایند بلندمدت و مشکل است، با این حال پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های آتی، بیشتر کشورها، عضو این تشکیلات بزرگ اقتصادی خواهند بود و کشورهایی که عضویت آن را نپذیرفتند، قادر به رقابت و مقابله با اکثریت - که عضویت را پذیرفته‌اند - نخواهد بود، البته طبیعی است که هیچ کشوری از مشکلات اولیه برای پیوستن به سازمان مصون نمی‌باشد. در عین حال نمی‌توان پیامدهای عدم عضویت را نادیده گرفت.

هر کشوری که عضویت سازمان تجارت جهانی را می‌پذیرد، در واقع می‌خواهد با استفاده از پتانسیل‌ها و مزیت نسبی خود در بعضی از کالاها، وارد رقابت جهانی شود و در امر داد و ستد طبق قوانین مشترک بین اعضا فعال باشد، هر کشوری

که نتواند از مزیت‌های نسبی خود استفاده کند، چه در بعد داخلی و چه برای رقابت در سازمان تجارت جهانی، مشکل خواهد داشت، بنابراین مهم‌ترین مسئله جدی برای موردی مانند ایران، - جهت عضویت در سازمان - این است که زمینه‌های لازم برای استفاده از مزیت‌های نسبی برایش فراهم شود. در چنین حالتی جمهوری اسلامی ایران قادر خواهد بود، نه تنها اقتصاد خود را پیش ببرد، بلکه می‌تواند زمینه را برای رقابت در سازمان تجارت جهانی نیز مهیا سازد و در نهایت، هیچ‌دلیلی برای نگرانی از پیوستن به سازمان تجارت جهانی وجود نخواهد داشت.

هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران از کشورهای عمده تولیدکننده نفت است، اما این منبع در سال‌های آتی به پایان خواهد رسید. گرچه سقوط قیمت نفت مشکلات زیادی را برای کشور به وجود آورده است، ولی در عین حال موقعیت ارزشمندی را برای تقویت توانایی‌ها، استفاده از منابع سرشار و پتانسیل‌های زیربنایی فراهم نمود. چون ایران نمی‌تواند و نباید در یک اقتصاد تک محصولی باقی بماند. بنابراین طبیعی است که از دیدگاه اقتصادی تمهیداتی برای پیوستن به جامعه اقتصاد بین‌المللی فراهم آورد. در این صورت کشورمان قادر خواهد بود، از عضویت در سازمان و تسهیلات عمومی و از شرایط مطلوبی که ایجاد می‌شود؛ برای تقویت اقتصاد خود استفاده نماید و از طریق گسترش تجارت و افزایش صادرات، تولید داخلی را نیز افزایش دهد.

بررسی عضویت کشورهای جهان سوم از جمله ایران، از چند جهت مهم می‌باشد. اولاً؛ عضویت در سازمان تجارت جهانی، به مفهوم از میان رفتن محدودیت‌های تجاری و در نتیجه آزادسازی تجاری کالاهای تجاری می‌باشد. بدیهی است که این تحولات موجب تغییر قیمت‌ها برای

کشورهای صادرکننده و واردکننده‌ای که عضویت این سازمان را می‌پذیرند، خواهد بود.

ثانیاً؛ توجه به اینکه ایران از یک طرف سیاست کاهش وابستگی به صادرات تک محصولی نفت و تعدیل اقتصادی را دنبال می‌نماید و از طرف دیگر واردکننده عمده محصولات کشاورزی می‌باشد، نتایج حاصل از عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، به‌عنوان کشور در حال توسعه، می‌تواند بسیار با اهمیت باشد. ثالثاً؛ انتظار می‌رود که در مذاکرات آینده بخش انرژی در دستور کار قرار گیرد. بنابراین اثرات قابل ملاحظه‌ای برای کشورهای صادرکننده نفت که عضویت این سازمان را می‌پذیرند، به دنبال خواهد داشت.

جهت بهره‌گیری صحیح از عضویت در سازمان تجارت جهانی بایستی چند مطلب را مدنظر قرار دهیم. اول اینکه؛ وضعیت تولید کشور بایستی به حد مطلوبی برسد، بسیاری از صنایع کارخانه‌ها و ماشین‌آلات وجود دارند که به دلیل نبود یک استراتژی صنعتی مشخص، هیچ‌گاه با ظرفیت کامل کار نکرده‌اند، بنابراین با تدوین یک استراتژی مشخص، کشور می‌تواند از ظرفیت‌ها به طور کامل استفاده نماید. با جهانی شدن اقتصاد، فرایند استفاده از تکنولوژی پیشرفته کشورهای صنعتی شتاب بیشتری خواهد گرفت و بهینه‌سازی صنایع نوپا، اولویت بالایی خواهد داشت. دوم اینکه صادرات کشور بایستی از قدرت رقابت در جهان برخوردار باشد. سوم اینکه برای ایجاد رقابت، نیاز به نفوذ در بازار داریم. با عنایت به اینکه بسیاری از صنایع قدرت رقابت ندارند؛ بنابراین برای حضور موثر در بازارهای جهانی بایستی از صنایعی آغاز نمود که بتواند صادرات داشته‌باشد، به عبارت دیگر بایستی از صنایعی آغاز نمود که در آن مزیت نسبی وجود داشته‌باشد. یکی از صنایعی که از این مزیت



برخوردار است و اکنون به‌عنوان یک منبع بااهمیت درآمد در کشور به حساب می‌آید، صنایع غذایی است. براساس توافقات دور آروگوئه، کالاهای کشاورزی در پیمان سازمان تجارت جهانی وارد شده‌است و کشورهای عضو می‌توانند از مزیت‌های آن در رابطه با صنایع غذایی و کشاورزی بهره‌مند شود، چراکه اعضای سازمان تجارت جهانی تعرفه ترجیحی دارند و کشورهای غیرعضو باید برای ورود به بازار ۷ تا ۱۵ درصد تعرفه بپردازند.

تحولات ایران و ساختار اقتصادی آن نشان می‌دهد که ایران یک کشور بین‌المللی است، سوال این نیست که حضور باشد یا نباشد، سوال این است که به صورت فعال برخورد کنیم، یا غیرفعال؟ به هر حال بایستی توجه داشت که ایران از زمره‌ی تماشاچی‌ها نیست. امروز اقتصاد ایران نیازمند ارتباطات بین‌المللی است، نکته قابل توجه این است که روندی که هم‌اکنون وجود دارد، مبین آن است که جهانی شدن ریسک‌هایی به همراه دارد، هم‌اکنون موضوع اکثر کشورهای در حال توسعه این است که کشورهای توسعه‌یافته، این کشورها را به حاشیه می‌رانند. به حاشیه راندن<sup>(۱)</sup> یک نگرانی است و در واقع اعتراض به حاشیه رانده شدن است. با توجه به آنچه که هم‌اکنون در حال شکل‌گیری است باید توجه داشت که اولاً تحولات جدید در سطح جهانی یک واقعیت است، ثانیاً روندی، تکاملی و بلندمدت است و ثالثاً ساختار اقتصادی ایران، حضور فعال ایران را در مجامع بین‌المللی طلب می‌نماید. در این راستا نکاتی را بایستی مورد توجه قرار دهیم.

نکته اول این است که اصل دولت‌های کامله‌الوداد، از اصول موافقتنامه‌های GATT است که در WTO نیز اعمال می‌شود؛ یعنی هر حالتی را که برای ورود به WTO پذیرفته و به همه کشورها تعمیم می‌دهد، تا قبل از الحاق

اگر دارای موافقتنامه‌های ویژه‌ای باشیم، بتوانیم آنها را مشخص و از مستثنیات آن استفاده نماییم. زیرا هر امتیاز یا تسهیلاتی که برای عضو WTO قایل می‌شوند، بایستی برای همه اعضا اعمال نمایند. بنابراین هنگام الحاق بایستی در پروتکل این مسئله ذکر شود که بایستی تعرفه‌ها به تدریج کاهش یابد.

مطلب دیگر بحث، حمایت از صنایع نوزاد است، الحاق به WTO تضادی با حمایت از صنایع نوزاد ندارد، اما باید دقت داشت که بین صنعت نوزاد و صنعت معلول تفاوت زیادی وجود دارد که به‌طور واقع‌گرایانه باید بررسی شود تا در مواردی که مزیت نسبی نداریم، اصراری به حمایت نداشته باشیم.

در مورد یارانه‌ها، به هر کشوری اجازه داده می‌شود که به صورت تدریجی یارانه‌ها را هدفمند نماید، در این مورد هم باید سیاست معینی داشته باشیم. مهم‌تر از همه باید رژیم تجاری را طوری تنظیم نماییم که از مستثنیات استفاده کنیم، تدبیری اندیشیده شود که بتوانیم از همه مستثنیات از جمله تراز پرداخت‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی استفاده نماییم و در مورد تعرفه‌ها سقفی قرار دهیم که بعداً بتوانیم آن را پایین بیاوریم.

در این راستا جمهوری اسلامی ایران باید اقداماتی را انجام دهد، این اقدامات باید به دو شکل کلی و جانبی و اقدامات خاص صورت گیرد. اقدامات کلی هم‌اکنون در حال انجام شدن است، در برنامه سوم، در فصل اول قانون برنامه سوم اصلاح ساختار مدیریت و در فصل دوم، سامان‌دهی اقتصاد مطرح شده و همچنین در فصل سوم واگذاری سهام مورد توجه واقع شده‌است، در فصل چهارم رقابتی کردن فعالیت‌های اقتصادی و در فصل پنجم تامین اجتماعی و هدفمند کردن یارانه‌ها مطرح گردیده‌است، در فصل دهم بازارهای مالی و در فصل چهاردهم شیوه اعمال تجارت خارجی مدنظر قرار گرفته‌است،

این قبیل برنامه‌ها و فعالیت‌ها از امور زیربنایی است، که به اصلاح ساختار اقتصادی کمک می‌نماید.

در مورد اقدامات خاص بایستی عنایت داشت که برای الحاق به WTO علاوه بر اینکه به ساختار رقابتی نیاز است، بایستی یک استراتژی هم داشته باشیم. استراتژی یعنی راهبردی که بگوید اقتصاد ایران ۲۰ سال دیگر چگونه و کجا باشد، پس اگر فاقد استراتژی باشیم، نمی‌توانیم سقف تعرفه‌ای را مشخص نماییم، تحولات اخیر در عرصه بین‌المللی به گونه‌ای است که بایستی در برنامه‌ریزی اقتصادی، دو ابتکار جدید داشته باشیم.

۱- از برنامه‌ریزی تلفیقی به برنامه‌ریزی آمایشی تغییر جهت دهیم.

۲- باید استراتژی اقتصادی بلندمدت، برای ۲۰ سال داشته باشیم.

استراتژی موردنظر بایستی چند ویژگی داشته باشد:

اولاً؛ استراتژی باید مخصوص کشور خودمان باشد، به عبارت دیگر؛ نسخه واحدی برای کشورها وجود ندارد، ثانیاً؛ باید زمان، سرعت و اولویت اقدامات را به‌طور مشخص تدوین نماییم. ثالثاً؛ در استراتژی الحاق بایستی ابتدا به سمت یک منطقه‌گرایی پیش برویم، از کشورهای اطراف مانند آسیای مرکزی، خلیج فارس و دی ۸ شروع کنیم و تعامل بیشتر داشته باشیم، به عبارت دیگر، ابتدا آمادگی لازم را کسب نماییم و پس از آن به عضویت درآییم.

جهت ارایه یک تحلیل تصمیم ساز در مورد الحاق جمهوری اسلامی ایران، به WTO و پیامدهای آن، باید موارد مربوط به آن را طبقه‌بندی نماییم. در این راستا بایستی توجه داشت که الحاق به WTO، پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهد داشت، پیامدهای کوتاه‌مدت برای ایران عمدتاً سیاسی و پیامدهای بلندمدت آن اقتصادی است. از طرف دیگر، می‌دانیم که اقتصاد ایران به

اصلاحات بی‌شماری نیاز دارد؛ اما تاکید اساسی از منظر تصمیم‌سازی است، بنابراین شروع کار برای کسب آمادگی و توانایی انطباق با این سیستم است، از این رو توصیه می‌شود که باتوجه به فرایند پیچیده الحاق، ابتدا وارد فرایندی شویم که با مذاکرات شروع می‌شود و آغاز مذاکرات نیز هیچ تعهدی برای ما ایجاد نمی‌نماید.

علاوه بر پیگیری مذاکرات در خارج، باید در داخل نیز ایجاد رقابت بین بخش‌های مختلف اقتصاد اعم از؛ بخش کشاورزی و صنعت به دقت دنبال شود. زیرا اگر رقابت نباشد افزایش کیفیت در کالاها وجود نخواهد داشت.

ضرورت تبیین و تعیین جایگاه کشور در چرخه اقتصاد و تولید جهانی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است، به‌عنوان مثال؛ در کشور فنلاند، شرکت نوکیا ۷۰ درصد صادرات کشور را در اختیار دارد. در ایران بخش کشاورزی، از بخش‌هایی است که می‌توان روی آن تکیه نمود، در بخش صنعت نیز پتروشیمی و الکترونیک عرصه‌هایی هستند که می‌تواند در کشورمان مورد توجه قرار گیرد. این در حالی است که باید قدرت تحمل خطری در کشور بالا باشد و علاوه بر این افراد متبحر و کار آزموده نیز در این زمینه‌ها آماده باشند. برای رهایی از اقتصاد تک‌محصولی متکی به نفت در ۲۵ سال آینده، می‌بایست صادرات غیرنفتی بین ۱۰ تا ۱۴ درصد رشد داشته باشد و این موضوع کم‌اهمیتی نیست، اگر در ۲۰ سال آینده بخواهیم اشتغال کامل داشته باشیم باید سالانه بین ۹۸۰ تا یک میلیون و ۱۰۰ هزار شغل جدید ایجاد کنیم که به سوی مشاغل تولیدی گرایش داشته باشیم.

باتوجه به تضادهای داخلی درون سیستم اقتصاد جهانی، راه دستیابی به موفقیت، شناخت کامل از توانایی‌ها و تضادهای این سیستم است. نقش شرکت‌های

بزرگ در اداره اقتصاد جهان رو به افزایش است، به طوری که دویست شرکت بزرگ، ۲۸ درصد فعالیت اقتصادی دنیا، پانصد شرکت بزرگ، ۷۰ درصد تجارت جهان و هزار شرکت بزرگ، ۸۰ درصد تولیدات صنعتی جهان را در کنترل دارند و تنها تولید کارخانه اتومبیل سازی جنرال موتور آمریکا در سال ۱۹۹۷، به اندازه کل تولید ملی سنگاپور بوده است.

پیوستن به WTO، در رشد فزاینده و توسعه صادرات کشور موثر است. بیشترین اقلام صادرات به لحاظ وزن و ارزش در سال های ۷۸ و ۷۹ گلیم و زیلو و کمترین اقلام صادرات به لحاظ ارزشی و وزنی در سال ۷۹ انواع خاتم و در سال ۷۸ فیروزه و سنگ های قیمتی بوده است.

آنچه که از موارد مذکور استنباط می شود؛ رشد همه جانبه محصولات کشور در مقوله صادرات می باشد و بدیهی است که نشانگر وجود خریدارانی مناسب جهت صادرات می باشد. صرف نظر از موانع و راهکارهای بیان شده در خصوص صادرات صنایع دستی و دیگر صنایع کشور، مجموعه مصوبات دولت در خصوص ارتباط تجاری با دیگر کشورها، از اهمیت ویژه ای برخوردار است، نگرش کلی به وضعیت اقتصادی کشور نشانگر آن است که پیوستن به WTO و انعقاد قراردادهای منطقه ای و پیمان های تجاری چندگانه در کوتاه مدت، از مهم ترین عوامل موثر در رشد فزاینده و توسعه صادرات کشور است. صادرات صنایع دستی کشور نیز همچنان رو به رشد است، پس از حذف پیمان سپاری ارزی اقلام هنری و دستی با رویکرد خاص صادرکنندگان به این مقوله، این موارد در سال های اخیر بیش از پیش رشد نشان می دهد. آنچه که تحت عنوان صنایع دستی صادر می شود، ترکیبی از انواع و اقسام کالاهایی دست ساز است، اما گمرک جمهوری اسلامی ایران تنها برای چهار ردیف از صنایع دستی کشور شامل:

گلیم و زیلو پارچه قلمکار، انواع خاتم و فیروزه و سنگ‌های قیمتی، تعرفه جداگانه داده‌است و در مورد بقیه اقلام صادره که حجم آنها بعضاً بیش از یکی از این چهار نوع صنایع دستی می‌باشد تعرفه فرعی تبیین ننموده‌است.

صنایع دستی صادر شده در سال ۷۹، به لحاظ ارزش و نیز از نظر وزنی، رشد قابل توجهی داشته‌است. اما ارزش اقلام صادر شده ۲۵/۵ درصد بیشتر از وزن این محصولات، رشد نشان داده‌است.

عضویت در WTO موجب افزایش به‌کارگیری تکنولوژی پیشرفته، ایجاد رقابت، افزایش کارایی عوامل تولید، دسترسی به بازارهای صادراتی، افزایش سطح درآمد و رفاه در بخش کشاورزی و کل اقتصاد است.

در یک جمع‌بندی می‌توان مزایا و چالش‌های کشاورزی ایران در پیوستن به WTO را به صورت زیر خلاصه نمود.

● از مشکلات بخش کشاورزی در پیوستن به WTO، سیاست‌های تجاری و اتخاذ رویه‌های یکسان حمایتی است. در نتیجه استفاده از تعرفه‌ها - به‌عنوان تنها ابزار حمایت تجاری - مجاز است، هرگونه حمایت از تولیدات داخلی، باید به صورت شفاف و در قالب تعرفه بیان شود. به‌کارگیری سایر ابزارهای حمایتی ممنوع است. در ایران سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، براساس مصوبات شورای اقتصاد، مکلف به پرداخت یارانه کالاهای اساسی است که این رویه با اصول WTO مغایرت دارد.

● برای وارد شدن به بازارهای آزاد جهان، گرایش به سمت کشت تجاری خواهد بود، به همین دلیل WTO، فرصت‌ها و امکانات مساعدی برای کشورهای در حال توسعه به منظور تجدید ساختار تولید و تجاری کردن

کشت پیش‌بینی کرده‌است.

● از مزیت‌های بخش کشاورزی ایران، استقلال نسبی و حداقل وابستگی به منابع ارزی می‌باشد. بخش کشاورزی در مقایسه با دیگر بخش‌ها، از جمله صنعت؛ ارزی کمیتر و ارزآوری بیشتر داشته‌است. تزریق درآمد نفت همه ساله موجب ایجاد رانت در بخش‌های برخوردار از نیاز ارزی شده‌است. ولی بخش کشاورزی از رانت‌های اقتصادی کمتری در مقایسه با دیگر بخش‌ها برخوردار است.

در این خصوص WTO؛ رفع تبعیض شفافیت برنامه‌های دولت، کاهش یارانه‌های آشکار و پنهان و حذف اثرات منفی رانت اقتصادی توزیع شده را پیشنهاد می‌کند.

● کشاورزی در طول برنامه اول از بخش‌های نسبتاً موفق در صادرات غیرنفتی بوده‌است. تحقق صادرات کشاورزی در آن سال‌ها، بیش از اهداف پیش‌بینی شده بوده‌است، اما صادرات این بخش، با اجرای سیاست‌های مربوط به نرخ ارز و برقراری پیمان ارزی در سال‌های ۷۴-۷۸ با کاهش مواجه شد.

● در مقایسه با سایر بخش‌ها، در این بخش، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید با استفاده از سرمایه‌گذاری کمتری امکان‌پذیر است. مبلغ سرمایه‌گذاری لازم برای ایجاد یک شغل در بخش کشاورزی، کمتر از ۸۳ درصد سرمایه‌گذاری در بخش صنعت است. در نتیجه، تنوع بخشیدن به مشاغل مرتبط با فعالیت‌های کشاورزی نظیر صنایع فرآوری و بسته‌بندی در مناطق روستایی برای جذب بیکاران راهگشاست.

● مطالعه تجربی در زمینه کالاهای اساسی کشاورزی نشان می‌دهد که نرخ‌های تعرفه، تاثیر معنی‌داری بر واردات و صادرات اقلام اساسی

کشاورزی، به استثنای برنج نداشته‌است و به نظر می‌رسد واردات کالاهای کشاورزی تحت تاثیر مجوزها و موانع غیر تعرفه‌ای بوده‌است تا نرخ‌های تعرفه.

● موفقیت یا شکست کشورها برای عضویت در WTO به عوامل متعددی بستگی دارد، مهم‌ترین آنها شامل مزیت نسبی در تولید بخش‌های کشاورزی و صنعت، بهره‌برداری از تکنولوژی پیشرفته، کاهش هزینه‌های تولید، قابلیت انعطاف و اتکا به صادرات متنوع در سطح استاندارد بین‌المللی است.

با عضویت ایران در WTO، ضمن دسترسی به بازارهای صادراتی، از امکانات بیشتری برای عرضه محصولات کشاورزی برخوردار خواهیم شد.

## نتیجه‌گیری

امروزه بخش بازرگانی خارجی به‌عنوان یکی از مولفه‌های نظام‌های اقتصادی مطرح می‌باشد که در اثر گسترش تکنولوژی و تنوع در تولید کالاها در سطح جهان، روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود و صرف نظر از پاره‌ای استثنائات و مشکلات، تجربه بسیاری از کشورهای جهان مبین آن است که حضور در بازارهای جهانی و بهره‌گیری از مزیت‌های تجارت خارجی، راهگشای توسعه اقتصادی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه در چند دهه اخیر بوده‌است.

در ایران، به دلیل دسترسی به منابع ارزی حاصل از صدور نفت بخش تجارت خارجی متناسب با نیازهای زمان توسعه‌نیافته و در نتیجه مشکلات گوناگونی پدید آمده‌است. بروز این مشکلات و کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت در آینده اهمیت بخش بازرگانی خارجی و حضور در بازارهای جهانی را



گوشزد می‌نماید، بنابراین افزایش تولید، بالا بردن توان صادراتی و رقابتی در سطح جهان و بهره‌مندی از تسهیلات سازمان تجارت جهانی به عنوان یک ضرورت مطرح می‌باشد.

یکی از مباحث مهمی که برای هر کشوری قبل از عضویت در سازمان تجارت جهانی مطرح می‌باشد این است که اولاً؛ توان کشور در مورد صادرات کالا و ورود به بازارهای جهانی در نظر گرفته شود. ثانیاً؛ مشخص شود که کشور در چه زمینه‌هایی مزیت نسبی دارد و چه کالاهایی را می‌تواند صادر کند. ثالثاً؛ مشخص شود که به کدام بازار یا کشور می‌خواهد صادر نماید. در رابطه با کشورها و عضویت در سازمان تجارت جهانی، سه فرض محتمل می‌باشد:

فرض اول اینکه کشور صادرکننده و واردکننده، هیچ‌یک عضو سازمان تجارت جهانی نباشند. در این حالت هر دو کشور بایستی از بسیاری از بازارها که عضویت این سازمان را دارند صرف‌نظر نمایند و بازارها محدود خواهد بود. فرض دوم اینکه کشور صادرکننده عضو نباشد ولی کشور واردکننده عضو باشد، در این حالت مشکلات زیادی بروز می‌کند، بنابراین برای ورود به بازارها بایستی توافقاتی انجام گیرد تا امر صادرات و واردات با سهولت انجام شود. فرض سوم اینکه کشور صادرکننده و واردکننده هر دو عضو سازمان تجارت جهانی باشند، در این حالت مشکلی بر سر امر صادرات و واردات وجود ندارد و هر دو کشور می‌توانند از وحدت رویه در قوانین موجود در سازمان، براساس سیاست‌های واقع‌گرا و استراتژیک اقتصادی تجاری در جهت تعقیب منافع خود گام بردارند.

نکته‌ای که بایستی به آن توجه داشت آن است که در کنار نتایج اقتصادی مترتب بر عضویت در سازمان تجارت جهانی، تنگناها و

احیاناً معایبی نیز بر آن مترتب است که بایستی با استفاده بهینه از قابلیت‌های کافی جهت بهره‌برداری از محاسن عضویت در آن و همچنین ایجاد یک مجموعه از توانایی‌ها در عرصه اقتصاد ملی، تنگناها و معایب آنها را به حداقل رساند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که بررسی تبعات الحاق و عدم الحاق و ذکر محاسن و معایب آن امری ضروری و شایسته می‌باشد. اما اگر به این نتیجه برسیم که بایستی حضور فعال‌تری در صحنه اقتصاد جهانی داشته‌باشیم، در آن صورت برای به حداقل رساندن مضار عضویت، بایستی گام‌های عملی برداشته‌شود. اولین اقدام در این جهت آن است که برای عضویت؛ یک پروتکل دقیق تنظیم شود، به طوری که اولاً بتوانیم حقوقی را که برای تولید داخل لازم است، درج نماییم و ثانیاً مواردی را که با قانون اساسی مغایرت دارد، در پروتکل لحاظ کنیم و بتوانیم در مجموع، با یک پروتکل الحاق صحیح و برنامه‌ای درست برای ساختن کشور با دیدی باز، با این موضوع برخورد نماییم.

## پی‌نوشت‌ها:

- 1- Balassa, B, and Sherpston, M, "Export Subsidies by developing Countries." *World Bank*, 1997.
- 2- Brando, As, P and Will J. "Implication of Agricultural Trade Liberalization for the Developing Countries," *Agricultural Economics*, 1993.
- 3- Ethier, W.J., *Modern International Economics*, New York, Notron and Company, 1983.
- 4- Kenen, Peter., *The International Economy*, Englewood Cliff: Prentice Hall, 1989.
- 5- Kushi, M., "Developing Countries and the Uruguay Round," *Law and State*, 1993.
- 6- Blanche T.J et Le Fèvre, "PAC, GATT, OMC" *Edition France Agricole*, 1995.
- 7- Fontanel J. *Organization économique internationales*. Masson, 1995.
- 8- Mucchielli, J. Let Celimene, F., "Mondialisation et Regionalisation". *Economica*, 1993.
- ۹- محمدعلی قظمیری. «گات و اثرات آزادی‌سازی تجاری کشورهای در حال توسعه و اقتصاد و ایران». مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵.
- ۱۰- میرعمادی، طاهره. «ایالات متحده آمریکا و مقررات حقوق مالکیت معنوی مرتبط با تجارت». اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۷.